

کتابهایی برای بحران اقتصادی

مادلین بانتینگ

دانست که ما را به بحران کنونی رهنمون ساخت و پولانی را نیز کسی دانست که با هوشیاری فوق‌العاده‌ای، هشدار داد که بحران در پیش است؛ وی به هیچ وجه بر این باور نبود که بازار بهره‌مند از یک سازوکار «ناظم سرخود» است که می‌تواند اشتباهاتش را تصحیح کند. به عقیده پولانی برخلاف تصورات نئولیبرال‌ها یک «دست نامرئی» در کار نیست و از این‌رو در نحوه کارکرد بازار نیز نمی‌توان از جنبه‌ای اجتناب‌ناپذیر یا «طبیعی» سخن گفت؛ بازار را در همه حال مجموعه‌ای از تصمیم‌های سیاسی شکل می‌دهند. در آن ایام بسیاری نیز با این نظر پولانی همراه بودند که سرمایه‌داری بازار آزاد گرفتار یک بی‌ثباتی مزمن و مخرب است که می‌تواند عواقب سیاسی مدهشی را به دنبال بیاورد.

ولی در سالهای دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نئولیبرالیسم هاپک به تدریج دست بالا را یافت؛ نخست بر نخبگان حاکم ایالات متحده چیره شد و آنگاه مارگارت تاچر و به دنبال او نیز تونی بلر و گوردون براون به آن پیوستند. و از آن زمان به بعد، «دولت را عقب بران و اقتصاد را به حال خود بگذار تا به کار خود برسد» به شعار مسلط تبدیل شد. و ما اینک تازه به چیزی پی می‌بریم که در سه دهه اخیر کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان آن را از نزدیک تجربه کرده‌اند: اقتصادهای بی‌ثبات و بی‌حساب و کتاب نئولیبرال می‌تواند به میزان غیرقابل قبولی از به هم ریختگی‌ها و سختی‌های اجتماعی منجر گردد که تنها با سرکوب شدید قابل مهارند. در کنار این وجه از اقتصاد نئولیبرالی می‌توان از دو ویژگی دیگرش نیز یاد کرد: نخست آنکه شاید بتواند به تولید ثروت کمک کند ولی برای توزیع آن فاقد کارایی است و دیگر آنکه چیزی را که نمی‌تواند کالایی کند در محاسبات خود نمی‌آورد؛ از جمله روابط اجتماعی، خانواده، جامعه و یا محیط زیست که نه فقط از لحاظ رفاه بشری مهم و حیاتی هستند، بلکه برای تداوم کارکرد بازار نیز اهمیت دارند. در نهایت آنکه سرمایه‌داری نئولیبرال دارای ماهیتی خود تخریب‌کننده است.

در این روزها شاهد فروپاشی نوعی راست‌کیشی اقتصادی هستیم که بیش از سی سال است عرصه سیاست را در انحصار خود دارد. نخوت فتح‌الفتوحی و اصرارش بر درستی و برحق بودنش فقط با کمونیسم شوروی قابل مقایسه است.

اقتصاددان‌ها از اعتماد، باور و ایمان سخن می‌گویند و در نتیجه اینک متوجه می‌شویم که سرمایه‌داری نئولیبرال نیز در واقع نوعی اسطوره‌پردازی است. و به همین دلیل رجز خوانی‌هایی از آن دست نیز

هر روز صبح که روزنامه می‌خوانم، هر از گاه باغچه خانه را ویران‌داز کرده و از خود می‌پرسم: اگر بوته‌های گل سرخ و لاواندر را بکنم، چند ردیف سیب‌زمینی می‌توانم به جای آنها بکارم؟ آیا کفاف خوراک یک خانواده را خواهد داد؟ مبدا این فکر و خیال نشانی از جنون باشد؟ مرا چه شده که دیگر به توانایی اقتصاددان‌ها و سیاست‌گذاران در ارائه پاسخ به پرسشهای ساده اعتماد ندارم؟

نوعی اضطراب فضا را در برگرفته است. همه اتفاق نظر دارند که اوضاع می‌تواند از این بدتر هم بشود، ولی این به چه معنی است؟ بدتر به معنای افزایش در میزان بیکاری یا بدتر به صورت یک فروپاشی کامل اقتصادی و صفوف طولانی در برابر نوانخانه‌ها؟ اگر نمونه آخر را نیز اغراق‌آمیز تصور کنیم، هستند کشورهایی چون آرژانتین و روسیه که مردمانش می‌توانند از تجارب تلخ خود در همین اواخر و معنای واقعی فروپاشی اقتصادی بگویند.

گوردون براون با ترس و هراس‌اش از «پیش‌بینی‌هایی که خود در تحقق آنها می‌کوشیم» نیز راه‌حلی ندارد. همه می‌دانند که در حال حاضر همه چیز به اطمینان بستگی دارد: آیا پس‌اندازکنندگان وحشت کرده، پول خود را به ایرلند برده و ضربه‌ای اساسی بر بانکهای بریتانیا وارد خواهند کرد؟ یکی دیگر در مصاحبه‌ای رادیویی از سپری شدن ۱۸ ماه دیگر برای اعاده وضع به حالت عادی سخن می‌گفت که بیشتر به نوعی آرزو شباهت داشت. هیچ کس نمی‌داند که چه در پیش خواهد بود...

ولی لازم نیست که چندان هم گرفتار «پیش‌بینی‌هایی از این دست شویم، شهروند متعارف، پرسشهای به مراتب مهمتری در پیش‌روی دارد: چه شد که گرفتار چنین وضعیتی فضاقت باری شدیم و چه می‌توان کرد که از نو گرفتار وضعیتی مشابه نشویم؟ پاسخ دادن به این دو پرسش اساسی مستلزم یک دوره فشرده مالی و آموزش سریع علم اقتصاد نیست، چرا که این بحران به همان اندازه نیز ابعادی سیاسی و ایدئولوژیک دارد. اگر وقت زیادی هم ندارید، مهم نیست، چرا که فهرست مطالعات ضروری، به هیچ وجه طولانی نیست. کلید حل معما در کتاب *دگرگونی بزرگ کارل پولانی*^۱ نهفته است؛ یک تاریخ اقتصادی در توضیح علل بحران مالی جهانی در ۱۹۲۹ و فاشیسم که برای نخستین بار در ۱۹۴۴ منتشر شد. یعنی همزمان با انتشار کتاب *راه بردگی* از فردریش هاپک^۲، اقتصاددان برجسته اتریشی که متن پایه نئولیبرالیسم محسوب می‌شود.

هاپک را می‌توان بنیانگذار نوع خاصی از مدیریت اقتصادی

سرخ پوست و... مورد تمسخر قرار گرفته و نادیده انگاشته شدند و سیاستمداران زیر لب دم گرفته بودند که گزینه‌ای نیست، گزینه‌ای نیست... سپس ماجرای یازده سپتامبر پیش آمد و به مدت هفت سال دیگر با طرح تصاویر کودکانه‌ای از آدم‌بدها و آدم‌خوب‌ها، توجه عمومی به نقطه‌ای دیگر معطوف گردید. در حالی که همه به مباحث بیهوده‌ای چون «خطر تروریسم اسلام‌گرا نسبت به تمدن غرب» چشم دوخته بودند، در چند قدمی ویرانه‌ی برج‌های مانده از برج‌های دوقلوی نیویورک، در والی استریت خطری به مراتب جدی‌تر و واقعی‌تر نسبت به تمدن غرب (با هر معنایی که بر آن مترتب باشد) در حال شکل‌گیری بود.

به قول تیموتی گارتن (که به خاطر باورهای دینی‌اش شهرت ندارد) این بار نیز همان‌گونه که در مورد دیگر اسطوره‌سازی‌ها صدق می‌کند، جز دعا کردن راه دیگری به نظر نمی‌رسد. ولی آنچه بدین پدیده ابعادی وحشتناک می‌بخشد آن است که این اسطوره نیز می‌تواند همانند اساطیر فاسد و تباه آرتک انسانهای فراوانی را قربانی بگیرد.

1. Karl Polanyi, *The Great Transformation*.
2. Friedrich Hayek, *Road to Serfdom*.
3. Thomas Frank, *One Market Under God*.
The Guardian Weekly, (10.10.2008).

برگرفته از:

لازم و ملزوم آن بودند؛ نمی‌بایست اجازه داد که کسی آن را زیر سؤال ببرد، چرا که ممکن بود همگی متوجه شویم که امپراتور لباسی در بر ندارد. ژوان ویلیامز، سراسقف کاترپوری به درستی از کارل مارکس نقل قول کرده است که روزگاری گفت: «سرمایه‌داری مهار گسیخته به نوعی اسطوره‌پردازی بدل شده و برای چیزهایی عاملیت و قدرت فرض می‌کند که خود هیچ حیاتی در درون ندارند.»

این نظام خرافاتی خود نقدی اساسی را طلب می‌کند که خوشبختانه در قالب کتاب فوق‌العاده‌ی توماس فرانک، **یک بازار یکتای الهی** ^۳ که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد گامهایی اساسی در این جهت برداشته شده است. در این کتاب که توصیه‌ی دوم من است، چگونگی چیرگی نئولیبرالیسم بر نظام سیاسی ایالات متحده توضیح داده شده است و کارکرد آن در جهت خنثی‌کردن دیدگاههای مخالف و تسلط کاملش بر جهان به اصطلاح آزاد.

حال که از این دیدگاه جز ویرانه، چیز دیگری بر جای نیست، می‌توان رشته پرسشهایی را مطرح کرد، از جمله آنکه دیدگاههای انتقادی‌ای که در اواخر دهه ۱۹۹۰ مطرح شد - که آرای فرانک بخشی از آن بود و نظریات پولانی هم سنگ بنای آن - چرا و چگونه از پای درآمدند. جنبش ضد جهانی‌سازی از بی‌ثباتی، مخرب و غیرعادلانه بودن سرمایه‌داری نئولیبرال سخن می‌گفتند؛ سخنهایی که امروزه معقول به گوش می‌رسد ولی در زمان خود به آنارشیست‌هایی نسبت داده شد که شیشه‌های فروشگاهی مانند زنجیره‌ای را می‌شکنند. شبکه حرکت‌های فراگیر اجتماعی مانند اتحادیه‌های کارگری ایالات متحده، دهقانان مکزیک، کشاورزان

آداب نگهداری از کتاب و کتابخانه

در جزوه‌ای خواندنی و طنزآمیز



تلفن: ۲۰-۷۷۶۴۲۵۱۹



نرم افزار جامع مدیریت کتابخانه‌ها ما

MDI - MULTITREADING - C#.NET

ساده - قدرتمند - حرفه‌ای

۳ سال ضمانت - یک سال پشتیبانی رایگان - خدمات پس از فروش دائم

همراه با زندگی کتابخانه‌ها می‌اندیشد

نشانی: شیراز - فلکه گاز - روبروی دبستان ۱۷ شهریور - ساختمان ملیکا - طبقه اول -

تلفن و نامبر: ۲۲۸۷۶۹۳ - ۲۲۸۳۹۷۳ - ۰۷۱۱

WWW.HAMARALIB.IR
info@hamaralib.ir